

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ؛ وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا
شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

آموزش آسان اعتبارسنجی روایات

علی سراج

فهرست مطالب

الف) کتاب شناسی	۲
ب) سند شناسی	۳
حالت ۱- روایت در کتب موجود در «نرم افزار درایة النور ۲» باشد	۵
حالت ۲- روایت در کتب موجود در «نرم افزار درایة النور ۲» نباشد	۷
نکات	۸
پیوست ها	۱۶
پیوست ۱- الفاظی برای مراتب توثیق و ضعف	۱۷
پیوست ۲- بازسازی سند روایات، در اسناد عطفی و تحویلی	۱۸

@مواردی که هنوز جای کار دارند با علامت @ مشخص شده اند

پرسش: روایتی از اهل بیت ع دیده ام که در کتابی نقل شده است. از کجا بفهمم آن روایت معتبر است یا خیر؟

پاسخ: اعتبار یک روایت، وابسته به دو نکته زیر است:

الف) این روایت در چه کتابی نقل شده است؟

ب) این روایت با چه سلسله سندی در آن کتاب نقل شده است؟

در ادامه، به هر یک از این دو معیار با زبان ساده خواهیم پرداخت.

تذکر بسیار مهم: آنچه در این نوشته بیان شده است، بسیار ساده سازی شده است تا بدون نیاز به دانش طلبگی قابل فهم باشد؛ و در نتیجه جزئیات مهم و گاه تاثیرگذاری عمدا مغفول گذاشته شده است. همچنین گاه در مسأله‌ای اختلاف نظر وجود دارد و برای ساده‌سازی فقط یک نظر بیان شده است. (گاه به این اختلاف نظر اشاره شده است، و گاه نشده است). خلاصه کسی با خواندن مطالب این جزوه دچار غرور علمی نشود (!) و احساس بی نیازی نسبت به اهل علم در استفاده از روایات پیدا نکند! جزوه برای کار راه اندازی نوشته شده است.

الف) کتاب شناسی

اینکه روایت در کدام کدام حدیثی نقل شده است، مسأله مهمی است. بعضی کتب حدیثی، معتبرتر از کتاب‌های دیگرند. (مثلا ۱- برخی کتاب‌ها بیشتر در دست علما بوده‌اند و نسخه‌های مختلفی از آنها موجود است، و امکان جعل و وضع، و حتی تحریف و تصحیف در آنها کمتر بوده است، ۲- برخی کتاب‌ها استادشان به مولف قطعی نیست، یا بصورت "وجاده" به دست ما رسیده‌اند.)^(۱)

مطابق نظر «سید محمدکاظم طباطبایی» در پیوست درس هفتم کتاب «منطق فهم حدیث» میزان اعتبار هر یک از کتاب‌های حدیثی شیعه از قرار زیر است:

الف) کتاب‌های زیر جزء کتاب‌های مقبول و مورد اعتماد شیعیانند:

کافی، تهذیب الأحکام، استبصار، من لا یحضره الفقیه، رجال نجاشی، غیبت طوسی، نهج البلاغه، إرشاد مفید، توحید صدوق، خصال صدوق، صحیفه سجادیه، کمال الدین، ثواب الأعمال، مجازات نبویّه، معانی الأخبار، صفات الشیعه، علل الشرایع، عیون اخبار الرضا.

ب) کتاب‌های زیر دارای صلاحیت نسبی هستند:

أمالی مفید، خصائص الأئمة، الزهد، أمالی طوسی، تحف العقول، شافی، مسائل علی بن جعفر، أمالی صدوق، الإيضاح، تاریخ یعقوبی، تفسیر عیاشی، تفسیر قمی، جَمَل، رجال کشی، فقه منسوب به امام رضا ع، قرب الإسناد، کامل الزیارات، محاسن، إحتجاج، تفسیر مجمع البیان، جعفریات، الغارات، كنز الفوائد، مصباح متعهد، مكارم الأخلاق، إختصاص، بشارة المصطفی، دلائل الإمامة، غیبت نعمانی، نثر الدر، نوادر راوندی، العمده، فلاح السائل، منیة المرید، مهج الدعوات، الیقین، بلد الامین، لهوف (ملهوف)، مختصر بصائر الدرجات، مصباح كفعمی، مشكات الأنوار.

ج) كتابهای زیر ضعیف هستند، که اعتماد محض به متون آنها پسندیده نیست، و بهتر است به منزله موید از آنها استفاده شود:

نزہة الناظر، تنبیہ الخواطر (مجموعه وزام)، جامع الأخبار، دعوات راوندی، کفایة الأثر، مائة منقبة، بصائر الدرجات، جامع الأحادیث قمی، دعائم الإسلام، شرف الأخبار، إرشاد القلوب، أعلام الدین، روضة الواعظین، المناقب ابن شهر آشوب، تفسیر فرات کوفی، كشف الغمّة، وقعة الصّفين، إقبال الأعمال، خرائج و جرائح، غرر الحکم، تأویل الآيات الظاهرة، إعلام الوری، عوالی الثالی، کتاب سُلیم بن قیس، ملاحم و فتن، تفسیر منسوب به امام عسکری ع، مصباح الشریعة، مواعظ العدیدة.

چند نکته:

۱- نظرات درباره برخی کتابها متفاوت است، و در بالا نظر یکی از پژوهشگران آورده شده است. @ کدام کتابها خیلی اختلافی است؟ @ آیا فهرست بالا بر اساس مثلا تعداد روایات ضعیف السند است؟ چون آنها در سند بررسی می کنیم.

۲- در هر یک از سه دسته بالا نیز، ابتدا کتب معتبرتر آمده است و هر چه جلوتر می رویم از اعتبار کتابها کاسته می شود.

۳- اگر روایت مان در کتابهای واسطه‌ای مانند بحار الأنوار، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، میزان الحکمة، تفسیر کنز الدقائق، تفسیر نور الثقلین، تفسیر البرهان یا تفسیر میزان بود، باید بینیم این کتابها روایت را از چه کتاب حدیثی پیش از خود نقل کرده‌اند؟ مثلا در بحار الأنوار، هم روایاتی از کتاب کافی و معانی الأخبار آمده، هم روایاتی از قرب الإسناد و مهج الدعوات، و هم روایاتی از دعوات راوندی و مصباح الشریعه.

ب) سند شناسی

برخی علما درباره کتب معتبره، نیازی به بررسی سلسله سند نمی بینند؛ مانند آیه الله سید احمد مددی و آیه الله سید علی رضا حسینی شیرازی. در مقابل، برای برخی علما "سلسله سند" اهمیت تعیین کننده دارد، البته در فقه که بحث حجیت در آن مطرح است.

برای تعیین اینکه روایتی از نظر سندی معتبر است یا خیر، باید با چند اصطلاح آشنا شویم:

اگر سلسله سند روایتی تا معصوم به طور متصل وجود داشته باشد، آن روایت را «مُسند» یا دارای سند «متصل» می گویند، ولی اگر بخشی از سند افتادگی داشته باشد آنرا «مرسل» گویند. اگر روایتی سندش به امام معصوم ع منتهی نشود (مثلا سخن سلمان فارسی باشد) را «موقوف» می نامند.

روایت متصلی که همه راویان موجود در سلسله سند آن «امامی مذهب» و «ثقه» (دارای وثاقت، قابل اعتماد) باشند را «صحیح» گویند؛^۲ و اگر همه راویان موجود در سلسله سند «ثقه» باشند ولی حداقل یکی از آنها «امامی» نباشد (مثلا از اهل سنت یا شیعیان زیدی یا فطحی یا واقفی باشند)، آن روایت را «موثق» گویند؛ و در غیر این صورت آنرا «ضعیف» می‌نامند. پس روایتی که حتی یکی از افراد موجود در سلسله سندش «ثقه» نباشد (مثلا فردی ضعیف یا ناشناس باشد)، یا روایتی که سندش متصل نباشد را «ضعیف» می‌نامند.

تذکره ۱: روایت ضعیف السند به معنای روایت جعلی نیست، بلکه حدیثی است که وثاقت افراد موجود در سند اثبات نشده است. مثلا ممکن است فردی در سند مجهول باشد، ولی او در واقع ثقه بوده است؛ یا مثلا صاحب کتاب سند روایات را در اختیار داشته، ولی برای اختصار آنها ذکر نکرده، و در نتیجه روایات مرسل و در نتیجه ضعیف شده است. راویان شیعه از ضعفا حدیث نقل می‌کرده‌اند ولی از کذاب حدیث نقل نمی‌کرده‌اند.

تذکره ۲: اگر روایتی صحیح السند هم باشد، به این معنا نیست که این روایت یقینا از امام معصوم صادر شده است.^۳ بلکه فقط روایتی که «متواتر» باشد (و با اسناد فراوان و راویان متعدد در هر طبقه به دست ما رسیده باشد، به طوری که تبانی این افراد بر دروغگویی غیرممکن باشد) سندش قطعی و یقینی است. البته در علم «اصول فقه» به تفصیل بیان شده که به احادیث صحیح السند عمل می‌شود و به این احتمالات کم، اهمیتی داده نمی‌شود.

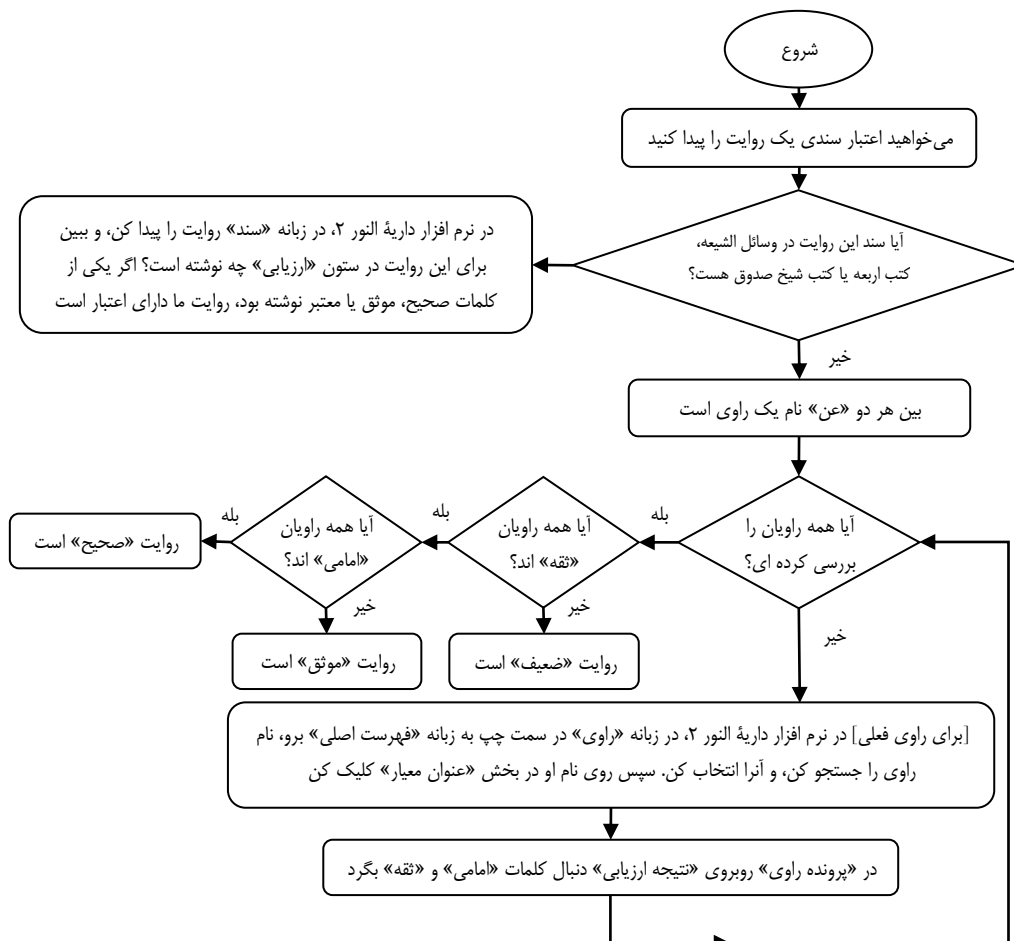
فقهایی که به سند روایت توجه می‌کنند، روایاتی را حجت و معتبر می‌دانند که صحیح یا موثق باشند. البته برخی، روایات مرسل نقل شده در من لا یحضره الفقیه (مرسلات شیخ صدوق)، و نیز روایات مرسل نقل شده از «محمد بن ابی عمیر» و «احمد بن محمد ابی نصر البزنطی» و «صفوان بن یحیی البجلی» (البته افتادگی در افراد پس از این ۳ نفر در سند، نه افراد پیش از آنها) را مانند روایت مُسند قبول می‌کنند (مرسلات مشایخ ثلاث).

همچنین برخی فقها، اگر روایتی سند معتبر نداشته باشد ولی اصحاب به مضمون آن عمل کرده باشند را حجت می‌دانند (انجبار ضعف سند به شهرت فتوایی)، و نیز اگر روایتی سند معتبر داشته باشد ولی اصحاب به مضمون آن عمل نکرده باشند را حجت نمی‌دانند (سقوط روایت از حجیت/اعتبار با اعراض مشهور از عمل به آن). در گذشته تاریخ حدیث شیعه نیز، اصحاب و علما در مواجهه با احادیث مستند، محتوای حدیث را تحلیل می‌کردند، اگر با آیات و سایر روایات معتبر ناهماهنگ و ناهمسو بود آنرا نمی‌پذیرفتند.

توجه: در متن بالا گاهی عمدا از ادبیات تخصصی (و دقت موجود در آن) استفاده نشده است.

برای تشخیص میزان اعتبار سند یک روایت، آسان‌ترین روش استفاده از نرم افزار «درایة النور» است. (این نرم افزار بر اساس تحقیقات رجالی سید محمدجواد شبیری زنجانی، فرزند آیه‌الله سید موسی شبیری زنجانی، و بر اساس مبانی رجالی پدر تدوین شده است.)

تذکره: آخرین نسخه آن «درایة النور ۲» است که در سال ۱۳۹۸ نسخه آزمایشی آن منتشر شده است. پیشتر باید از مجموع دو نرم افزار «درایة النور نسخه ۱/۲» و «اسناد شیخ صدوق» استفاده می‌شد. در ادامه، آموزش مبتنی بر نسخه ۲ داده می‌شود. این نسخه را می‌توانید در نشانی abrenoor.ir/fa/app/abrenoor_dirayah2_1 به طور رایگان تحت وب استفاده کنید. (البته یک ثبت نام رایگان نیاز دارد).



روندنمای ساده اعتباریابی سند روایت (روندنمای گسترش یافته در پایان و پیش از پیوست‌ها آمده است)

وقتی با روایتی مواجه می‌شویم، دو حالت قابل فرض است:

حالت ۱- سند روایت در کتب موجود در «نرم افزار داریه النور ۲» باشد

اگر روایت‌مان در یکی از کتاب‌های «وسائل الشیعه»، کتب اربعه (یعنی: کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، استبصار)، و یا کتب شیخ صدوق (یعنی: ثواب الاعمال، معانی الأخبار، علل الشرایع، عیون اخبار الرضاع، کمال الدین، فضائل الأشهر الثلاثة، خصال، توحید یا امالی صدوق) آمده باشد کار آسان‌تر است:

از بالای نرم افزار زبانه «سند» را انتخاب می‌کنیم، و در بالای آن بخشی از متن حدیث را جستجو می‌نماییم (از منوی کشویی جلوی آن "متن حدیث" را انتخاب کنید) و سپس می‌نگریم برای روایت‌مان در ستون «ارزیابی» چه نوشته است. اگر یکی از کلمات صحیح، موثق یا معتبر نوشته بود، روایت ما دارای اعتبار است. در صورتی که سند روایت "صحیح" نباشد، اگر مگسک ماوس را روی آن نگه داریم عوامل ضعف سند را مشخص می‌کند.



روش دیگر آنست که در همان برگه «سند» دکمه «برو به» را بزنیم و سپس نام کتاب و شماره جلد و صفحه (و یا نام باب) را انتخاب نماییم.

نکته: روی هر روایت کلیک کنیم، در پایین‌ترین بخش صفحه (اسکرول بار)، توضیحات بیشتری درباره روایت انتخاب شده نشان می‌دهد. (نشان داده شده با پیکان قرمز رنگ در تصویر)



حالت ۲- سند روایت در کتب موجود در «نرم افزار درایة النور ۲» نباشد

اگر روایت‌مان در کتب پیش‌گفته نباشد (یا روایتی با سند مشابه در آن کتاب‌ها موجود نباشد)، باید خودمان، مراحل زیر را پی بگیریم:

الف) به سند نگاه می‌کنیم: معمولاً بین نام هر دو راوی «عن» آمده است. اگر بین نام دو راوی «و» یا «أو» بیاید (مثلاً: محمد بن الحسن و علی بن محمد عن سهل بن زیاد...)، نشان‌دهنده اینست که مولف برای اختصار، چند سند را با هم ترکیب کرده است. (به این کار عطف یا تحویل می‌گویند.)

برای بررسی سند، باید ابتدا سندهای ترکیب شده را جدا کنیم و سپس هر سند را جداگانه بررسی کنیم. طبعاً اگر یک روایت چند سند داشت که حتی فقط یکی از آنها هم صحیح بود، سند آن روایت صحیح است.

تذکره: در کتاب‌های حدیثی‌ای که در نرم‌افزار درایه وجود دارد، نرم‌افزار خودش سندها را بازسازی کرده است. در بقیه کتاب‌ها باید سند را خودمان بازسازی کنیم. (برای بازسازی سندها به پیوست ۲ مراجعه کنید.)

ب) تک‌تک راویان موجود در سلسله سند را بررسی می‌کنیم. برای این کار:

۱- از بالا زبانه «راوی» را انتخاب می‌کنیم، و در بخش سمت راست آن به زبانه «فهرست اصلی» می‌رویم،

۲- از بالای همان بخش، نام راوی را جستجو می‌کنیم. از زیرش نام او را [پیدا کرده و] انتخاب می‌کنیم. (اگر تعداد موارد زیاد بود، ابتدا یا انتهای نام راوی [یا هر دو طرفش] "علامت نقل قول" قرار دهید.) سپس در پایین، روی نام صحیح و کامل او در بخش «عنوان معیار» کلیک می‌نماییم.

۳- سپس در بخش سمت چپ، در زبانه «پرونده راوی» روبروی «نتیجه ارزیابی» یا «جمع بندی ارزیابی» را نگاه می‌کنیم. دنبال کلمات «امامی» و «ثقه» می‌گردیم. («ثقة علی التحقیق» هم قبول است!)

مراحل ۲ و ۳ را برای هر یک از راویان سلسله سند انجام می‌دهیم.

اگر همه راویان سلسله سندمان امامی و ثقه بودند، روایت‌مان «صحیح» است. اگر همه آنها ثقه بودند ولی برخی امامی نبودند، روایت‌مان «موثق» است. اگر برخی از راویان سلسله سند ثقه نبودند، روایت‌مان «ضعیف» است.



نکات

البته نکات ریز و درشت دیگری هم وجود دارد. مثلاً:

۱- اصطلاح «عده من اصحابنا»، «جماعة من اصحابنا»، و «غير واحد من اصحابنا» به جای نام فرد، سند را از اعتبار نمی‌اندازد (مانند یک فرد امامی و ثقه با آن برخورد می‌شود)، ولی «بعض اصحابنا» سند را مرسل می‌کند. @ این کلمات در کتب دیگر هم بی‌اشکال است؟

۲- گاهی ممکن است در نام راوی تصحیف^۴ صورت گرفته باشد. مثلاً به جای محمد بن احمد اشتباهاً نوشته شده باشد احمد بن محمد. یا مثلاً در "حماد عن حریز بن عبد الله" بجای "عن" نوشته شده باشد "بن". یا برعکس. یا به جای حسن نوشته باشد حسین. اگر نام راوی پیدا نشد یا طبقه او تطبیق نکرد، باید ببینیم آیا تصحیفی رخ داده است یا خیر. نمونه‌های متداول تصحیف عبارتند از:

- تصحیف «واو» به «عن»، یا برعکس
- تصحیف «بن» به «عن»، (یا برعکس)
- تصحیف به اسامی مشابه (مثلاً تصحیف حماد بن عیسی به حماد بن عثمان در اثر سهو نسخه‌نویس؛ یا تصحیف ابن خباب به ابن حبان^۵،
- افتادن اسم یک راوی (مثلاً «الحسین بن سعید عن الحسین بن عثمان» که از وسط نام دو نفر، نام «فضالة بن ایوب» افتاده است)،
- اضافه شدن نام یک راوی (مثلاً در «علی بن ابراهیم عن ابیه عن حسین بن محمد» عبارت «عن ابیه» اضافه است و نسخه‌نویس به خاطر تعدد نقل علی بن ابراهیم از پدرش اینجا هم آنرا اضافه کرده است).^۶

برای شناخت تصحیفات باید ۱- طبقات استاد شاگردی و ۲- اسناد مشابه را بررسی کرد؛ که روش و جزئیات آن در دو نکته بعدی بیان خواهد شد.

۳- گاهی چند راوی با نام مشابه وجود دارد. مثلا باید بدانیم "احمد بن محمد"ی که در سند آمده «احمد بن محمد بن عیسی الاشعری» است یا «احمد بن محمد بن خالد البرقی» و یا دیگر افراد همنام. (به این کار «تمییز مشترکات» گویند). برای این کار:

الف) باید به طبقه^۲ آنها توجه کنیم. برای این کار در زبانه «پرونده راوی» طبقه راوی را می‌نگریم. معمولا اگر شخص الف از شخص ب نقل می‌کند، شخص الف باید یک طبقه پایین‌تر از شخص ب باشد (البته گاه دو طبقه فاصله است). اگر در پرونده راوی «طبقه» ذکر نشده باشد، باید خودمان طبقه راوی را پیدا کنیم. مثلا اگر کسی اکثر روایاتش را مستقیما از امام صادق ع نقل کرده، او در طبقه شاگردان امام صادق ع، یعنی طبقه امام کاظم ع است.

ب) باید ببینیم [اگر سند به شکل «الف عن احمد بن محمد عن ج» است] کدام یک از احمد بن محمد ها از ج نقل کرده‌اند، و الف از آنها نقل کرده است؟ برای این کار در کنار زبانه «پرونده راوی» زبانه‌های «روی عن» و «روی عنه» که به ترتیب مشایخ (اساتید) و شاگردان راوی آن شخص را نشان می‌دهد، به همراه تعداد روایاتی که آن استاد/شاگرد به واسطه این فرد نقل کرده. (به دایره‌های بنفش رنگ تصویر شماره ۳ مراجعه کنید) اگر باز هم چندتا "احمد بن محمد" یافت شد که بین الف و ج بود، معمولا:

- "احمد بن محمد"ی مدّ نظر است که تعداد روایت بیشتری با سند «الف عن احمد بن محمد عن ج» (و یا «الف عن احمد بن محمد» یا «احمد بن محمد عن ج») دارد، زیرا گاه چند راوی روایت زیادی را از هم نقل کرده‌اند: مثلا «مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَحْلَبِيِّ» زیاد نقل می‌کنند، لذا برای عدم تکرار آنها بصورت «ابنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْأَحْلَبِيِّ» می‌نویسند. پس در سند «حماد عن حلی» مراد از «حماد»، «حماد بن عثمان» است. ولی اگر سند «حماد عن حرّیز» باشد، مراد از «حماد»، «حماد بن عیسی» است، زیرا این دو نفر استاد-شاگرد بوده‌اند و نقل هایشان از یکدیگر است؛ و آن دو نفر نیز.^۸
- پرروایت‌ترین آنها مدّ نظر است، زیرا یکی از دلایل مختصر نوشتن نام راوی، شهرت آن راوی است؛ یعنی معمولا وقتی می‌گویند آقای ناطق نوری، منظور علی اکبر ناطق نوری است، و اگر برادر او باشد، نام کامل او آورده می‌شود. «کثیر الروایه» بودن و «صاحب کتاب» بودن از عوامل شهرت شخص است.

البته پیش از توجه به طبقه، کارهای دیگری هم می‌توان کرد:

- ۱- گاه می‌بینی کتاب در روایت قبل نام راوی را کامل آورده است، و در روایت بعدی آنرا مختصر آورده باعث اشتراک نام راویان شده. برای این کار باید به [یک یا چند] روایت پیشین مراجعه کرد. (البته در کتاب اصلی. مثلا اگر روایت کافی را در وسائل الشیعه می‌بینید، باید به روایت قبل در کافی مراجعه کنید)

۲- گاه می بینی همین روایت در کتاب دیگری که نقل شده است، صاحب کتاب در سند نام راوی را کامل تر آورده است. مثلا روایت علاوه بر کافی در علل الشرایع هم آمده است، و در آنجا نام راوی کامل ذکر شده است. (بهترین راه یافتن روایات مشابه، کلیک راست روی روایت در نرم افزار «جامع الاحادیث ۳/۵» و انتخاب گزینه «احادیث مشابه» است.)

۳- اگر مثلا شک بین دو نفر باشد و هر دو امامی ثقه باشند، نیازی به تمییز مشترکات نیست، زیرا در اعتبار حدیث تاثیری ندارد!

البته راه های دیگری هم برای تمییز مشترکات وجود دارد، که چون نیازمند توضیحات پیچیده تر است، از آن صرف نظر می شود.^۹

تذکر: گاهی نام خود اهل بیت مشترک است. در کتب روایی موجود در نرم افزار درایة النور ۲، نام اهل بیت ع به شکل های زیر آمده است: (موارد مشترک آبی رنگ شده اند)

اسامی ، القاب و کنیه های معصومین علیهم السلام	
رسول الله ص، النبی ص، الرسول ص، نبی الله ص، نبینا ص، سید النبیین /الأنبیاء محمد بن عبد الله ص، أبو القاسم ص	رسول الله صلی الله علیه و اله
علی ع، علی بن ابی طالب ع، امیر المؤمنین ع، ابو الحسن ع (به ندرت)	امام ۱ علیه السلام
فاطمه ع، فاطمه بنت رسول الله ع	فاطمه زهرا سلام الله علیها
الحسن ع، الحسن بن علی ع ، الحسن بن علی بن ابیطالب ع، الحسن ابن امیر المومنین ع، العالم ع	امام ۲ علیه السلام
الحسین ع، الحسین بن علی ع، ابو عبد الله الحسین بن علی ع، الحسین بن علی بن ابی طالب ع، سید الشهداء الحسین بن علی ع	امام ۳ علیه السلام
علی بن الحسین ع، سید العابدین علی بن الحسین ع، زین العابدین ع	امام ۴ علیه السلام
محمد بن علی ع ، محمد بن علی بن الحسین ع، محمد بن علی الباقر ع، ابو جعفر ع ، ابو جعفر الاول ع، ابو جعفر محمد ع، ابو جعفر الباقر ع، الباقر ع، احدهما ع	امام ۵ علیه السلام
جعفر ع، جعفر بن محمد ع، الصادق ع، الشیخ الصادق ع، الشیخ ع، ابو عبد الله ع، العالم ع ، الفقیه ع ، احدهما ع	امام ۶ علیه السلام
موسی ع، موسی بن جعفر ع، ابو ابراهیم ع، ابو الحسن ع ، ابو الحسن موسی ع، ابو الحسن الاول ع، ابو الحسن الماضی ع ، الماضی ع، العبد الصالح ع، رجل صالح ع	امام ۷ علیه السلام
علی بن موسی ع، الرضا ع، الخراسانی ع، ابو الحسن ع ، ابو الحسن الثانی ع، ابو الحسن الماضی ع ، الماضی ع، ابو الحسن الاخیر ع ، الاخیر ع، علی ع (به ندرت)	امام ۸ علیه السلام
محمد بن علی ع، ابو جعفر ع ، ابو جعفر الثانی ع، ابو جعفر الجواد ع، محمد بن علی الجواد ع، محمد التقی ع، ابن الرضا ع ، محمد بن علی الرضا ع ، الرجل ع	امام ۹ علیه السلام
علی بن محمد ع، علی بن محمد الهادی ع، الهادی ع، العسکری ع ، صاحب العسکر ع، ابو الحسن ع ، ابو الحسن العسکری ع، ابو الحسن الثالث ع، ابو الحسن الاخیر ع ، الاخیر ع،	امام ۱۰ علیه السلام

الماضی الاخیر ع، الطیب ع، ابن الرضا ع، علی بن محمد بن علی الرضا ع، الشیخ ع، الصادق ع، الفقیه ع، الرجل ع	
الحسن بن علی ع، ابو محمد ع، ابو محمد العسکری ع، الحسن بن علی العسکری ع، العسکری ع، ابن الرضا ع، الحسن بن علی بن محمد بن علی الرضا ع، الفقیه ع، العالم ع، الرجل ع	امام ۱۱ علیه السلام
محمد بن الحسن ع، الصاحب ع، صاحب الدار ع، صاحب الزمان ع، صاحب [هذا] الأمر ع، المهدي ع، الخلف المهدي ع، الخلف ع، الخلف من بعد أبي محمد ع، المولود ع، الغريم ع، القائم ع، القائم من آل محمد ع، الحجة ع، السيد ع، الفقیه ع، العالم ع، الرجل ع	امام ۱۲ علیه السلام

همچنین هر یک از معصوم را با اصطلاحات مقابل نامیده شده‌اند: أحدهم ع، بعضهم ع، بعض الأئمة، بعض الصادقین ع، الصادقون ع، عبد صالح ع، رجل صالح ع، العالم ع، الفقیه ع، الرجل ع.

توجه: در نظر داشته باشند که گاهی مشکل برعکس است: یک نفر واحد در اسناد مختلف به نام‌های مختلفی نامیده شده است. مثلاً «احمد بن محمد بن خالد البرقی» ممکن است به شکل «احمد بن ابی عبد الله» یا «ابن البرقی» آمده باشد. نرم افزار همه این موارد را برای ما می‌یابد، و «توحید مختلفات» را خودش انجام می‌دهد. (روش آن باز هم ۱- یکسان بودن طبقه، ۲- یکسان بودن اساتید و شاگردان، ۳- وجود قرینه در سند یا کتب رجالی است.)

۴- باید احتمال افتادگی در سند را بررسی کنیم (که مبدا یک یا چند نفر از افراد سلسله سند نام شان ذکر نشده باشد. در این حالت روایت مرسل و در نتیجه ضعیف می‌شود). برخی افتادگی‌ها واضح است: مثلاً اگر در سند آمده است "رفعه الی" این یعنی بین دو فرد سند، افراد میانی ذکر نشده است. (به چنین سندی "مرفوع" گویند، که نوعی سند مرسل است.)

ولی برخی افتادگی‌ها واضح نیست: باید هر دو نفر پشت سر هم در سند را بررسی کنیم که آیا اینها می‌توانسته‌اند از هم نقل کنند یا خیر؟ مثلاً اگر کسی در زمان امامت امام کاظم ع به دنیا آمده، نمی‌تواند از امام صادق ع نقل حدیث کند؛ و دو راوی که تاریخ زندگی شان به هم نمی‌خورد نمی‌توانند از هم نقل حدیث داشته باشند. در این حالت معلوم می‌شود که شخصی واسط بین این دو نفر بوده که نقل نشده است. برای این کار در زبانه «پرونده راوی» طبقه راوی را می‌نگریم.

همچنین ممکن است دو نفر از نظر زمانی بتوانند از هم نقل کنند، ولی مثلاً دو شهر مختلف باشند که نتوانند از یکدیگر نقل کنند، یا به دلیل تفاوت مشرب شان از هم نقل حدیث نکنند. برای اینکه ببینیم دو نفر آیا از هم روایت نقل کرده‌اند یا خیر، به زبانه «ارتباط راویان» می‌رویم و در بخش ابتدا و انتها، نام آندو را (مطابق عنوان "معیار" با رنگ نارنجی) وارد می‌کنیم، و دکمه "نمایش ارتباط" را می‌زنیم؛ و اگر ببینیم این دو راوی بدون واسطه (یعنی واسطه ۰) از هم نقل کرده باشند (و تعداد و درصد آن قابل توجه باشد)، این یعنی دو راوی رابطه استاد-شاگردی داشته‌اند و از هم نقل کرده‌اند؛ و در نتیجه بین این دو نفر، سند افتادگی ندارد.



تذکره: روش دیگر آن استفاده از زبانه «روی عن» و «روی عنه» در شناسنامه راوی است، که در نکته قبل (شماره ۳) توضیح داده شد.

تذکره: اگر شخصی از شخص دیگر نقل نداشت نمی‌توان فوراً گفت که این دو با هم هیچ ارتباطی ندارند؛ و اگر طبقه آن‌ها به هم می‌خورد (به طوری که شخص اول می‌تواند از شخص دوم نقل کند) سند را درست و متصل در نظر می‌گیریم و فرض می‌کنیم که فقط همین یک روایت را از هم نقل کرده‌اند یا روایت‌هایی که از هم نقل کرده‌اند در کتب مشهور نیامده است.

جهت اطلاع: گاهی ابتدا به نظر می‌رسد روایت مرسل است، ولی چنین نیست:

۱- مشیخه: در کتاب تهذیب (و استبصار) و من لا یحضره الفقیه، گاه روایتی را می‌بینیم که در آن بین نویسنده کتاب (شیخ طوسی، شیخ صدوق) و شخص اول موجود در سند چندصد سال فاصله است، و طبعاً نویسنده کتاب نمی‌تواند از آن شخص نقل کند؛ ولی این دو کتاب «مشیخه» ای دارند که در آن طریق خود را به فرد اول سند ذکر می‌کنند. (در کتبی مثل وسائل الشیعه هر جا به مشیخه مراجعه شده باشد، نوشته «بإسناد عن...») گرچه در درایة النور نسخه ۱/۲ مشیخه را نیاورده بود، ولی این مشکل در نسخه ۲ برطرف شده است. یعنی نیاز به کار دیگری از طرف شما نیست. **آنچه مهم است شما بدانید اینست** که برخی علما نیازی به بررسی افراد موجود در مشیخه‌ها نمی‌بینند (زیرا مشیخه طریق به کتاب است)، به ویژه افراد موجود در مشیخه کتاب تهذیب، به ویژه درباره افرادی که صاحب کتاب مشهور هستند.

۲- تعلیق: گاه نام یک یا چند راوی از ابتدای سند با اتکا به اسناد قبلی موجود در کتاب حذف می‌شود. گاهی مولف این حذف را با عبارتی نظیر «عنه» یا «بهذا الإسناد» مشخص می‌کند، و گاهی بدون این عبارات اقدام به حذف می‌نماید. (چنین سندی را «تعلیقی» گویند.) روش بازسازی سند در این سه حالت تفاوت چندانی ندارد.

الف) چنانچه در آغاز سند کلمه «عنه» به کار رفته باشد، این ضمیر معمولاً به نخستین نفر پس از مؤلف کتابی که حدیث از آن گرفته شده باز می‌گردد. (البته در موارد اندکی هم پیش می‌آید که به غیر از نفر اول برگردد، لذا باید طبقه راویان بررسی شود که کدام راوی در سند قبلی یک طبقه بعد از راوی بعد از «عنه» در این سند است؟) (چنین سندی را مضمیر یا «مشمول بر ضمیر» می‌گویند.)

مثال:

- محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد...

- و عنه عن ابيه عن ابن ابي عمير... (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹، حدیث ۱ و ۲).

(از آنجا که «محمد بن یعقوب» صاحب کتاب کافی است، «عنه» به علی بن ابراهیم بر می‌گردد.)

ب) چنانکه ابتدای سند «بهذا الإسناد» به کار رفته باشد، این اصطلاح نشان دهنده حذف تمام یا قسمتی از ابتدای سند با اتکا به سند قبل است. (چنین سندی را «اشاره ای» گویند، زیرا به افتادگی در سند اشاره شده است.)

مثال:

- علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسیٰ عن یونس بن عبد الرحمن عن ابن بکیر...

- و بهذا الإسناد عن یونس عن حماد... (کافی، ج ۱، ص ۱۶۳، حدیث ۴ و ۵)

اینجا هم گاهی مثلاً در سند دوم می‌نویسند «و بهذا الإسناد عن حماد...» که باید بررسی کنید که چه کسی از سند اول شاگرد حماد است؛ که با بررسی مشخص می‌شود یونس شاگرد وی است.

ج) چنانچه «عنه» و «بهذا الإسناد» ذکر نشود، شرایط شبیه شرایطی است که «بهذا الإسناد» ذکر می‌شود. توجه کنید که ممکن است روایت قبلی هم روایت تعلیقی باشد، لذا مثلاً نیاز شود به دو روایت قبل‌تر برگردیم.

۳- تذییل: گاهی در ذیل یک روایت، به نقل دیگری از همان روایت اشاره می‌شود. در این گونه موارد معمولاً قسمت مختص سند دوم در ذیل روایت اول آورده شده است، و نه همه سند (گاه انتهای سند ذکر نشده است).

مثال:

- أحمد بن إدريس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن أبي أيوب عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله ع

- و رواه محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن أبي أيوب. (کافی، ج ۱، ص ۹۱، ح ۱)

نکته: در بین احادیث صحیح و موثق، نکاتی وجود دارد که باعث قوت بیشتر سند آن می‌شود:

- هر چه سلسله سند کوتاه‌تر باشد (قریب الإسناد باشد) بهتر است. مثلاً سندی که با واسطه ۳ راوی به معصوم ع می‌رسد، بهتر است از سندی که با ۵ واسطه به معصوم می‌رسد.
- اگر در راویان موجود در سند «ثقة جلیل» باشند بهتر است، و در مقابل اگر «ثقة علی التحقیق» باشند بدتر است. (این عبارت در شناسنامه راوی، در بخش «جمع بندی ارزیابی» نوشته شده است.)^{۱۱}

در احادیث ضعیف نیز، برخی انواع آن دارای ضعف بیشتری است:

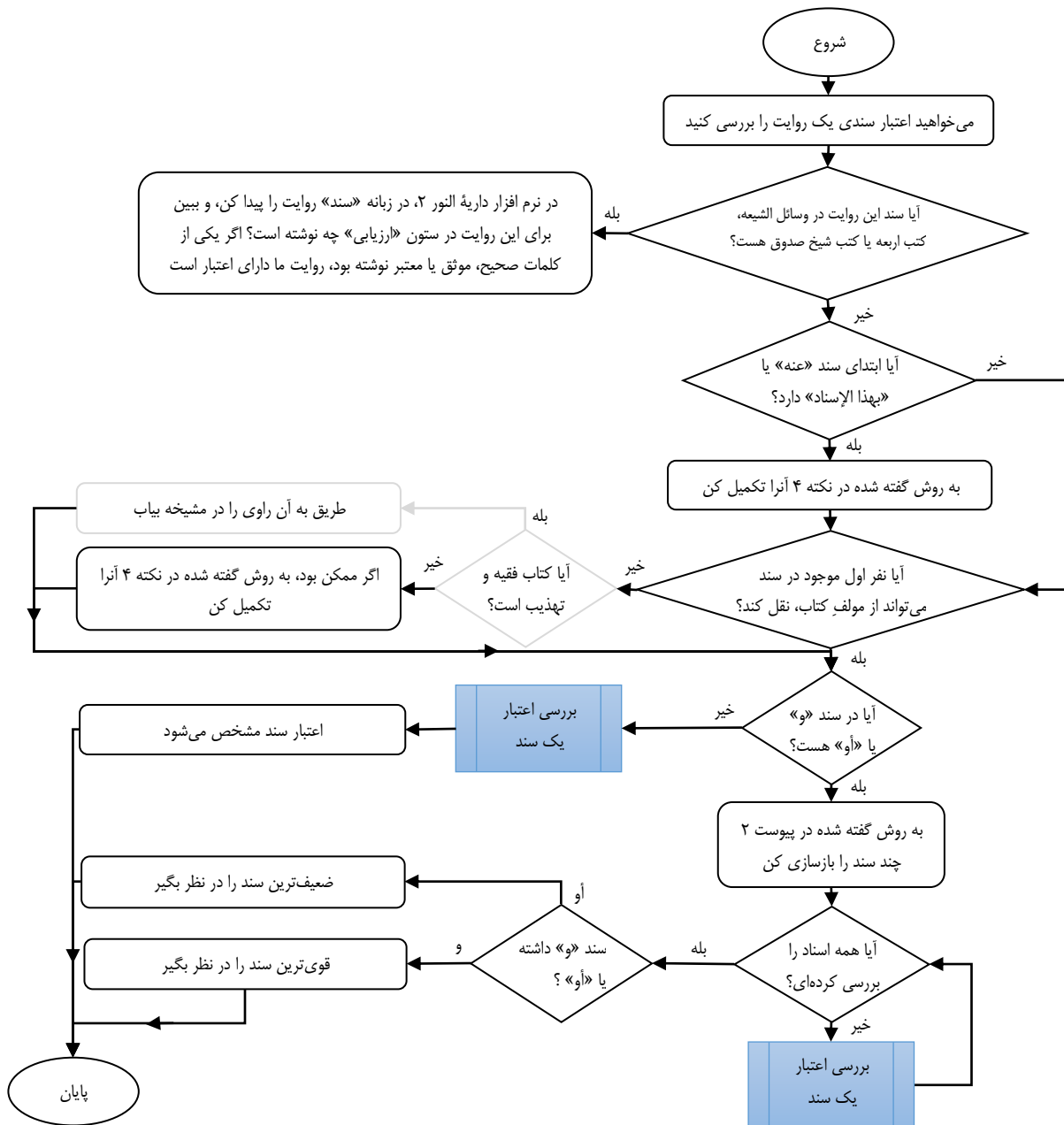
- «ضعیف مصرح» (یکی از راویان صریحاً تضعیف شده، و در شناسنامه راوی در بخش «نتیجه ارزیابی» اش نوشته شده «ضعیف مصرح») ضعیف‌تر از «ضعیف مجهول» (در شناسنامه راوی در بخش «نتیجه ارزیابی» نوشته شده «ضعیف مجهول») می‌باشد،^{۱۲} و «ضعیف مجهول» ضعیف‌تر از «ضعیف مُهمَل» (در شناسنامه راوی، بخش «نتیجه ارزیابی» ندارند) است.
- همچنین روایتی که چند راوی آن تضعیف شده اند، ضعیف‌تر از روایتی است که یک راوی آن تضعیف شده است. همین مساله درباره روایات مجهول و مهمل نیز برقرار است.
- روایات «ضعیف لعدم اتصال»، اگر از نوع «مرسل بحذف» یا «مرسل بدون سند» (که فقط نام معصوم را نوشته مثلاً «و قال ابو عبد الله») باشند ضعیف‌تر از «مرسل به رفع» (که بخشی از سند را با اصطلاح «رفعه الی» انداخته باشد) اند.

@توثیقات عام مورد قبول نرم افزار درایه چیست، و توثیقات عام مقبول دیگر کدامست؟ (روایات تفسیر قمی: ۳۸۰ تا، روایات یا مشایخ کامل الزیارات: ۳۸۸ یا ۳۰ تا)^۱ و فایل توثیقات عام و

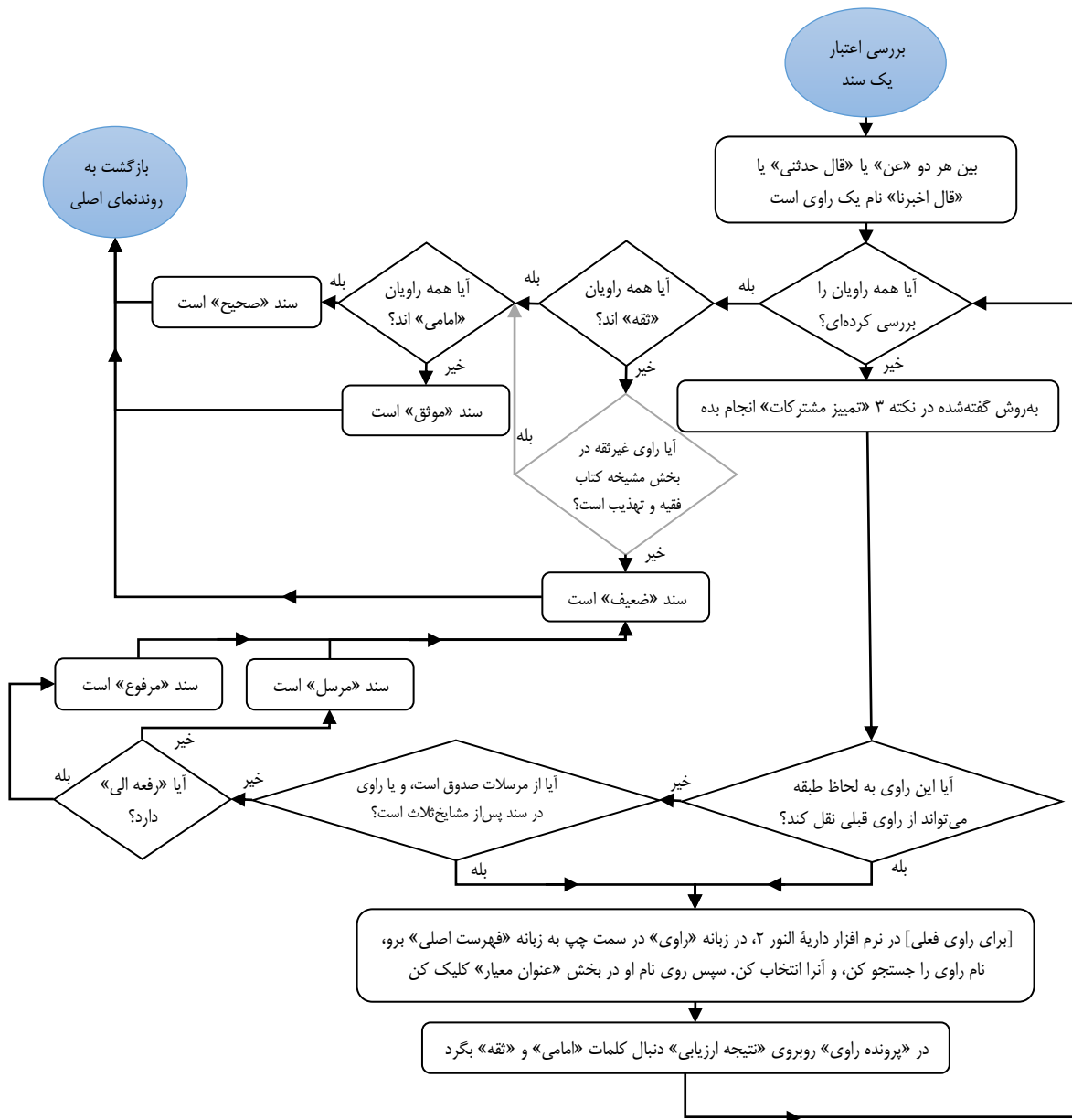
lib.qhu.ac.ir/post/47970/مبادی-نظری-و-تطبیقی-سندشناسی/

@انواع راویان (نصغرا، عقلگرا، باطنی)

^۱ در رجال نجاشی حدود ۱۲۰۰ نفر اسامی روایات آمده است و در فهرست طوسی ۹۱۲ نفر راوی ذکر شده



روندنمای تقریباً کامل اعتباریابی سند روایت (بخش اول)



روندنمای تقریبا کامل اعتباریابی سند روایت (بخش دوم)

@توضیح بخش خاکستری روندنما + نقص: تذییل، یاساده عن؟، انجبار و اعراض مشهور، عده من اصحابنا، تصحیفات

پیوست ۱- الفاظی برای مراتب توثیق و ضعف

آنچه تا به حال گفته شد، با توجه به نرم افزار درایه و بدون مراجعه به کتب ثمانیه (۸گانه)ی رجالی (به ویژه رجال نجاشی و فهرست طوسی) یا معجم رجال الحدیث آیةالله خوئی است. اگر بخواهیم به این کتب مراجعه کنیم، باید بدانیم ۱- الفاظی که درباره روایان به کار می‌رود دقیقا به چه معناست؟ ۲- در هنگام تعارض نظرات این کتب چه باید کرد؟ برای پرسش اول دو تصویر زیر کمک کار است: @تفاوت‌های موجود در "کتاب مبادی نظری و تطبیقی سندشناسی" را ببین:

lib.qhu.ac.ir/post/47970/p100/مبادی-نظری-و-تطبیقی-سندشناسی



تذکره: روایت حسن (در کنار روایت صحیح و موثق و ضعیف) را پیش تر تعریف نکردیم. اگر همه افراد سلسله سند امامی و ثقه باشند، روایت صحیح است؛ ولی اگر برخی از آنها ثقه نباشند ولی دارای مدح باشند، روایت را حسن گویند. (اگر برخی مدح هم نداشته باشند، روایت ضعیف است.)

برخی روایتی بین روایت حسن و ضعیف تعریف کرده‌اند: «روایت قوی» روایتی است که بعضی افراد سلسله سند، توثیق یا مدح نداشته باشند البته تضعیف هم نشده باشند.

مراتب ضعف

جرح (الفاظ صریح در کذب و وضع)	جرح در اصطلاح به معنای بیان عیوب راویان است که به تضعیف قطعی آنها من انجامد
« کذاب » ، « وشاع » ، « یضع الحدیث »	
ظعن (الفاظ صریح در تضعیف مبهم)	ظعن در اصطلاح هرگونه اشکالی است که در شرایط و سوابق ویژه بتواند زمینه ساز جرح شود
« ضعیف »	
قدح (الفاظ صریح در تضعیف جهت دار)	قدح ، مانند ظعن ، اشکال و خدشه ای جدی است که می تواند زمینه ساز جرح و تضعیف قطعی شود ، اما به صورت جداگانه نمی تواند روایات فرد را از اعتبار بیندازد . از آنجا که الفاظ این دسته به تضعیف در حوزه ای ویژه رهنمون اند ، در پاره ای موارد می توان آنها را با توثیق جمع کرد
« ضعیف فی منعه » ، « ضعیف فی رویه » ، « ضعیف فی حدیثه »	
ذم (الفاظ تضعیف احتمالی)	ذم ، در مقابل مدح (نکته مثبت) ، نکته ای منفی درباره راوی است
« ضعیف الحدیث » ، « لم یصل الحدیث » ، « لم یلق الحدیث » ، « لم یسمع الحدیث » ، « لم یکن یذکر الحدیث »	

تذکره: در تعارض بین آرای رجالی (اگر تعارض مستقر شود و نشود بین آنها جمع عرفی کرد)، اگر تعارض بین دو نظر شیخ طوسی باشد، طبعاً نظر متأخر او مورد قبول است؛ و اگر تعارض بین نظر شیخ طوسی و نجاشی باشد، نظر نجاشی ارجح است. (تضعیفات ابن غضائری هم اگر مورد تعارض قرار بگیرد، به آنها توجهی نمی‌شود). البته برخی، تضعیف را بر توثیق در شرایطی ارجح می‌دانند.

پیوست ۲- بازسازی سند روایات، در اسناد عطفی و تحویلی

در زیر روش گام به گام بازسازی سند، در ضمن یک مثال توضیح داده شده است:

مثال: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (کافی، ج ۳، ص ۳۷، حدیث ۱۰)

۱- ابتدا در صورتی که در سند از تعلیق، اشاره یا ضمیر استفاده شده است، آنرا تکمیل می‌کنیم. (به صفحه ۱۰ همین جزوه مراجعه شود)

۲- نام صاحب کتاب را می‌نویسیم، سپس از ابتدای سند شروع کرده و راویان را بدین صورت پشت سر هم می‌نویسیم تا به حرف عطف «و» برسیم:

الکلبی ← عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ← أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ

۳- اولین راوی پس از حرف عطف را در سطر بعد می‌نویسیم به گونه ای که با آخرین راوی قبل از خود در یک ستون قرار گیرد:

الکلبی ← عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ← أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ

أَبُو دَاوُدَ

۴- ادامه سند را مشابه قبل در ادامه سطر دوم می‌نویسیم و اگر مجدداً به حرف عطف برخوردیم مراحل قبل را تکرار می‌کنیم :

الکلبی ← عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ← أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ

أَبُو دَاوُدَ ← الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ ← فَضَالَةَ ← أَبَانَ ← عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ ← أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

۵- در مثال فوق سند اصلی به دو سطر تقسیم شده است باید [با توجه به طبقات و استاد و شاگرد] ابتدای هر سطر [مستقیم یا به واسطه] به شیخ کلبی و انتهای آن را [مستقیم یا به واسطه] به معصوم متصل کرد؛ بدین صورت:

در سطر اول باید ببینیم استاد احمد بن محمد کدام یک از راویان سطر بعدی است (البته به جز ابوداود که نمی‌تواند استاد احمد بن محمد باشد، زیرا با او در یک ستون است.) روش بررسی طبقه و استاد-شاگردی در صفحه ۹ همین جزوه آمده است.

در سطر دوم باید ببینیم شاگرد ابوداود کدام یک از راویان سطر قبلی است (به جز احمد بن محمد که نمی‌تواند شاگرد ابوداود باشد، زیرا با او در یک ستون است.)

پس از تعیین این موارد، طرق روایت این حدیث بدین صورت کامل می‌شود :

الکلبی ← عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا ← أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ
← الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ ← فَضَالَةَ ← أَبَانَ ← عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ ← أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع
← أَبُو دَاوُدَ

در نتیجه دو سند به این شکل بازسازی می‌شود:

✓ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

✓ أَبُو دَاوُدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع^{۱۴}

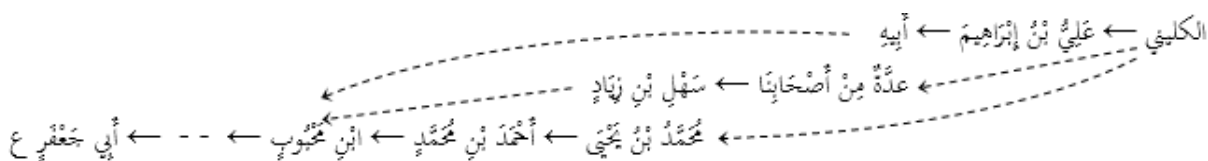
مثال ۲:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ سَلَامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ ع ... (كافی، ج ۲، ص ۴۲۳، ح ۱)

پس از طی مراحل بازسازی سند، صورت زیر حاصل می‌شود:

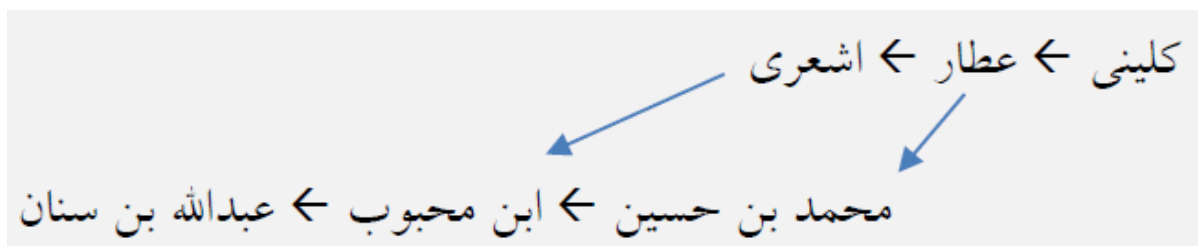
(کلمه «جمیعاً» عن ابن محبوب» کمک می‌کند بفهمیم همه سطرها باید بیاید به «ابن محبوب» وصل شود. گاه

کلماتی مانند «جمیعاً» یا «کلهم» یا «کلیهما» در پایان تحویل ذکر می‌شود و گاه ذکر نمی‌گردد.)



این مثال مجموعاً شامل سه سند است.

مثال ۳: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ



تذکره: گاه عطف به جای «واو» با حرف عطف «أو» می‌باشد. (به این نوع سند تحویل یا عطف تردیدی گفته می‌شود.) بازسازی سند آن معمولاً بسیار ساده است.

مثال ۱: عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مَسْكَانٍ ... (كافی، ج ۴، ص ۳۰۸، ح ۵)

سندهای بازسازی شده:

۱- عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مَسْكَانٍ ...

۲- عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مَسْكَانٍ ...

مثال ۲: عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ أَوْ مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (كافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۷)

تذکره: در اسناد تردیدی، اعتبار کل سند مطابق ضعیف‌ترین دو سند است. یعنی اگر یکی از دو سند صحیح و دیگری ضعیف بود، سند روایت ضعیف است (زیرا راوی شک دارد که از کدام طریق نقل شده است).

جمع بندی

طبق آنچه در این جزوه بیان شد، اعتبار یک سند «صفر و یکی» نیست، بلکه «فازی» است. (مطابق اصطلاحات طلبگی: اعتبار سند مشکک و ذو مراتب است و نه متواطی). یعنی هر چه روایت در کتاب معتبرتری نقل شده باشد، و سلسله سندش کوتاه‌تر باشد، و راویان موجود در سند ثقه‌های "جلیل‌القدر"تری باشند، روایت از نظر سندی معتبرتر است.

همچنین هر چه تعداد سندهای یک روایت بیشتر باشد و این سندها در کتب متعدد باشد (و راویان و صاحبان کتاب دارای مشرب‌های مختلف باشند)، اعتبار روایت بیشتر است. (روایت مستفیض و متواتر از تعدد روایات به ویژه روایات با سند معتبر به دست می‌آیند. @)

طبعاً این صرفاً بخش سندی است، و از نظر محتوای متن روایت نیز، همنواختی گزاره‌ای که آن روایت بیان می‌دارد با سایر گزاره‌های موجود در آیات و روایات معتبر تاثیرگذار است؛ و به همین خاطر است که درباره یک موضوع تلاش می‌گردد «خانواده روایت» (@روایات مختلفی که در مضمون موردنظر مشترکند) ایجاد شود.

البته در علم فقه، برخی از فقها به اعتبار «صفر و یکی» قائلند و یک روایت را یا حجت می‌دانند و مطابقش فتوا می‌دهند، و یا آنرا حجت نمی‌دانند و طوری فتوا می‌دهند که گویا چنین روایتی وجود ندارد؛ ولی عمدتاً این مخصوص فقه است و در غیر فقه چنین نظری ندارند.

منابع

- جزوه درس رجال استاد ایراندوست.
- جزوه خلاصه مطالب ارائه شده استاد حسینی شیرازی در علم رجال.
- کتاب مبانی نظری و تطبیقی سندشناسی، محمدکاظم رحمان‌ستایش، انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث، مرکز آموزش الکترونیکی.
- کتاب منطق فهم حدیث، سید محمدکاظم طباطبایی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
- کتاب کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۷ (ترجمه آن: نشر قم، ۱۳۸۰).
- توضیحات موجود در نرم افزار درایة النور ۲.

برای عافیت و حسن عاقبتِ تدوین‌کننده این کتابچه، علاوه بر دعا، صلواتی بفرستید

وَقَفْنَا لِلَّهِ وَإِيَّاكُمْ لِبَاعْتِهِ وَمَرْضَاتِهِ، وَاسْتَعْفِرَ اللَّهُ لِي وَ لَكُمْ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ،
وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

^۱ یعنی چنین نیست که شاگرد روایت را از استاد شنیده باشد و آنرا نوشته باشد، یا شاگرد روایت را برای استاد خوانده باشد و استاد تایید کرده باشد؛ و یا حتی اجازه نقل حدیث را از راوی قبلی داشته باشد. بلکه ناقل، حدیث را به صورت مکتوب دیده است و با یقین به اینکه این خط آن شیخ است، آنرا نقل کند. «وجاده» کم ارزش ترین نوع نقل حدیث است.

^۲ عمداً سخنی از روایت «حسن» به میان نیامد، زیرا درایةالنور هیچ روایتی را حسن نمی‌داند. در پیوست اول به روایت حسن خواهیم پرداخت. ^۳ مثلاً ممکن است راوی نقل به مضمون کرده باشد و این کار را دقیق انجام نداده باشد، یا قرائن موثری را مفروض گرفته باشد که به‌خاطر گذشتن قرن‌ها آن قرائن از بین رفته است، و همچنین ممکن است در متن روایت تصحیف رخ داده باشد.

^۴ «تصحیف» عبارتست از تغییر واژه به‌خاطر شباهت لفظی یا کتبی دو کلمه. برخی «تحریف» را هم به معنای مشابه تصحیف به‌کار برده‌اند. ^۵ رسم الخط زبان عربی در طول تاریخ، باعث مشابهت حروف مقابل به هم، و امکان تصحیف آنها شده است: «ر» شبیه به «و»، «ل» شبیه به «ک» یا «د»، «ک» شبیه به «ع»، «ن» شبیه به «ر» (و نیز عکس این حالات).

^۶ البته احتمال تصحیف در «ایه» کم است. اگر در سندی داشتید که شخصی از پدرش نقل کرده است ولی در جستجو متوجه شدید آن شخص نمی‌تواند از پدرش نقل داشته باشد(مثلاً پدرش راوی حدیث نیست)، به احتمال زیاد اسم آن شخص تصحیف شده است، نه این که کلمه «ایه» اضافه شده باشد.

^۷ «طبقه» به گروهی گفته می‌شود که تقریباً در یک برهه از زمان می‌زیسته‌اند، سنشان به هم نزدیک بوده است و از محضر اساتید یکسانی بهره برده‌اند. معمولاً افراد هم طبقه از یکدیگر نقل نمی‌کنند، زیرا برای محدثین مهم این بوده است که سند کوتاه‌تر باشد. طبقه را از طرف استاد یا شاگرد بیان می‌کنند، مثلاً طبقه شاگردان شیخ کلینی، یا طبقه اساتید اساتید شیخ کلینی(کسانی که کلینی با یک واسطه از آنها نقل حدیث می‌کند).

^۸ می‌توانیم از طرف دیگر نگاه کنیم: «ابراهیم بن هاشم» و «الحسین بن سعید» از «حماد بن عیسی» بدون واسطه نقل می‌کنند، ولی با یک یا دو واسطه از «حماد بن عثمان» نقل می‌نمایند؛ و اینجا با واسطه ابن ابی عمیر از او نقل کرده اند.

^۹ وقتی چند نفر در سند پشت سر هم اشتراک دارند، کار با روش‌های بالا سخت است. مثلاً اگر سند «محمد بن احمد بن حماد بن حریز» باشد، می‌توان در سند روایات (در جامع الاحادیث) چنین جستجو کرد: (محمد ← احمد ← حماد ← حریز)؛ (محمد بن احمد بن حماد بن حریز عن)

یا حتی چنین: (محمد - ۵ - احمد - ۵ - حماد - ۵ - حریز)؛ (محمد بن احمد بن حماد بن حریز عن)

^{۱۰} اگر «طریق» به برخی مشایخ در مشیخه تهذیب (و استبصار) یافت نشد، آنرا ممکن است در الفهرست شیخ طوسی بشود پیدا کرد. ^{۱۱} همچنین اگر همه راویان موجود در سند، امامی و ثقه بودنشان با شهادت دو نفر عادل به دست آید، آنرا «صحیح اعلائی» می‌گویند که از اعتبار بالاتری برخوردار است. امروزه نزدیک‌ترین تعریف به تعریف بالا، روایاتی است که همه راویان موجود در سند، امامی و ثقه بودنشان هم در فهرست طوسی بیان شده باشد و هم در رجال نجاشی.

^{۱۲} البته طبق برخی مبانی، ممکن است [برای برخی راویان] «ضعیف مصرح» ضعیف‌تر از «ضعیف مجهول» نباشد؛ مثلاً ممکن است شخصی را صریحاً تضعیف کنند، ولی به خاطر مبنایشان در غلو باشد، که ما قبول نداشته باشیم؛ و یا بگوییم روایتش مربوط به پیش از انحرافش (و در نتیجه ضعفش) می‌باشد.

^{۱۳} این بخش از جزوه استاد ایراندوست نقل شده است.

^{۱۴} گاه وقتی کنیه داشته باشیم، اعراب آن کمک‌کار است. مثلاً سند بالا در «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو دَاوُدَ عَنْ ...»، اینکه بصورت «ابو داود» آمده و نه «ابی داود» مشخص می‌کند که معطوف به «عدة من اصحابنا» (که مرفوع است) می‌باشد و نه «احمد بن محمد» (که مجرور است).